

این مقاله
به سفارش حرم مطهر
امام رضا علیه السلام نگاشته شده و
در سایت رضوان علم به آدرس
<http://razavi.aqr.ir/>
موجود می باشد.

هویت اجتماعی در سایه پوشش مناسب

دنیا پورمند

دانش آموخته سطح ۲ مدرسه علمیه اسلام شناسی حضرت زهرا سلام الله علیها

چکیده

فرهنگ حجاب، در جایگاه هویت فردی و اعتبار اجتماعی، فرصتی برای ایجاد جامعه‌ای ایده آل و به دور از ناهنجاری‌های اجتماعی است. توجه نکردن به این فرهنگ، به عنوان ارزش اخلاقی و هویت اجتماعی، تحکیم خانواده و امنیت فرهنگی و اخلاقی جامعه را تهدید می‌کند. اگر همه دستگاه‌های فرهنگی و اجتماعی، برای نهادینه‌سازی حجاب، برنامه‌ریزی و تلاش کنند ولی تا زمانی که حجاب درونی نشود و مورد پذیرش قلبی و اعتقادی قرار نگیرد، هویت اجتماعی به شکل مطلوب تحقق نخواهد یافت. بر این اساس، درونی شدن حجاب به هویت فردی مستحکم و مستقلاً نیازمند است تا نه به اجبار، بلکه به عنوان انتخابی منطقی و فردی برای کسب شخصیت اجتماعی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حجاب، عفاف، هویت، اسلام، پوشش، عوامل، راهکار، هنجار، ارزش.

طرح مسأله

انسان از همان آغاز پیدایش، کوشیده است تا پوشش مناسبی برای خود تهیه کند. به گواه تاریخ در بیشتر کشورهای جهان، مسأله پوشش و به ویژه حجاب زنان، امری معمول بوده است و هر چند که در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های زیادی طی کرده است و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان و یا متنفذان مذهبی شدت و ضعف گرفته است،



ولی هیچ‌گاه به طور کامل از بین نرفته است. هویت در لغت به معانی مختلفی به کار رفته است که رایج ترین معنای آن ذات، هستی و وجود است. (فرهنگ معین، معین، ج ۴، ص ۵۲۲۸)

هویت، یک سازه و ساختار بدنی، روانی و اجتماعی است یعنی شامل برداشت بدنی و طرز فکرها و عقایدی می شود که معرف فرد است و نحوه ارتباط فرد با دیگران را نیز می رساند. (روانشناسی نوجوانان و جوانان، احمدی، ص ۳۹)

هویت در لغت به معانی مختلفی به کار رفته است که رایج ترین معنای آن ذات، هستی و وجود است.

هویت اجتماعی عبارت است از: تعیین نسبت میان فرد و جامعه، یعنی بداند که چه پیوندهایی با جامعه دارد و چه نقش ها و وظایفی در اجتماع برعهده داشته و جامعه از وی چه انتظاری دارد. از چالش های بزرگ افراد، تحیر میان سنت و تجدد است. تمدن نوین بسیاری از هنجارها و نگرش های دنیای پیشین را که جزء هویت آدمی محسوب می شده، به چالش کشیده و بین حجاب و بی حجابی تعارض قائل شده، چنانکه فردی که در جامعه با حجاب کامل و چادر حاضر می شود را فردی بی فرهنگ و تمدن می نامند. (نظریه های مشاوره و روانشناسی، شیلینگ، ص ۱۰۲) لذا باید حجاب و نقش آن در ایجاد هویت اجتماعی افراد مشخص شود.

حجاب یکی از مسائل مهم دینی، اسلامی و فطری است. امور فطری فراوانی درون انسان ها وجود دارد که یکی از آن ها مسأله پوشش است. داستان حضرت آدم و حوا که در قرآن به آن اشاره شده است به وضوح مؤید این مطلب است: «فَدَلَّهِمَا بَغْوَرٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيَّهَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ.» هنگامی که آن دو (آدم و حوا) از شجره ممنوعه تناول کردند؛ برهنگی شان آشکار شد و بلافاصله برگهای درختان بهشتی را بر خود چسباندند. (اعراف: ۲۲)

این کار دلیل روشنی بر این مسأله است که از بدو خلقت انسان، حجاب وجود داشته





است نه اینکه به تدریج پدید آید و همچنین دلیل بر فطری بودن حجاب و پوشش نیز می باشد.

از بدو خلقت انسان، حجاب وجود داشته است نه اینکه به تدریج پدید آید؛ لذا فطری است.

قرآن به عنوان مهم ترین و اصلی ترین منبع دین اسلام، مسأله حجاب را در دو جا مطرح و حدود آن را نیز تا حدی بیان کرده است؛ اما در روایات اسلامی به طور کامل قلمرو آن مشخص شده است. مانند: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ...» به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را فرو گیرند و دامان خویش را حفظ کنند و... (نور: ۳۱)

هدف از این پژوهش تبیین و توضیح مسأله حجاب در بین بانوان جامعه می باشد. به نظر می رسد آشنایی و عمل بانوان در رابطه با حجاب، نقش به سزایی در الگوپذیری تمام افراد جامعه از آنان در طرز پوشش و رفتار مناسب در جامعه خواهد داشت. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی می باشد.

بی تردید یکی از مهم ترین دغدغه های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، گسترش فرهنگ ناب محمدی صلی الله علیه وآله، در جامعه است. مسأله حجاب نیز به عنوان یکی از ارکان اصلی حفظ عفت عمومی در جامعه، همواره مورد بحث و نظر کارشناسان مختلف بوده، تا آنجا که با گذشت ۳۶ سال از پیروزی انقلاب بی بدیل اسلامی در ایران، هنوز یکی از مباحث زنده و جریان دار این نظام محسوب می شود.

لذا این مقاله به دو سؤال مهم می پردازد:

حجاب و عفاف دارای چه معانی است؟

چه عواملی باعث ایجاد و تشدید پدیده بدحجابی می گردد؟ پاسخ به این سؤالات به تبیین دقیق تر این موضوع می انجامد.





بی تردید یکی از مهم ترین دغدغه های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، گسترش فرهنگ ناب محمدی صلی الله علیه و آله، در جامعه است.

چیستی حجاب و عفاف

الحجاب: مَنَعٌ مِنَ الْوُصُولِ حِجَابٍ یعنی آنچه مانع رسیدن است (مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، ص ۱۰۸)

حجاب به معنای پرده، ستر و حاجب نیز می باشد. چنان که در آیات قرآن نیز به همین معنا بکار رفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

«وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكُمْ حِجَابٌ» و میان ما و تو پرده‌ای است. (فصلت: ۵)

«كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَخْجُوبُونَ» چنین نیست که می‌پندارند، بلکه آنها در آتروز از پروردگارشان محجوبند! (مطففین: ۱۵)

آیه ای که در آن آیه، کلمه حجاب به کار رفته آیه ۵۴ از سوره احزاب است که می‌فرماید: «وَاِذَا سَأَلْتَهُمْ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» اگر از آنها متاع و کالای مورد نیازی مطالبه می‌کنید از پشت پرده از آنها بخواهید.

حجاب از آن جهت معنی پوشش می‌دهد که پرده و وسیله پوشش است و بر حسب لغت، آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد. (مسأله حجاب، مطهری، ص ۷۲)

پوشش مناسب، مطالبه اجتماعی

امروزه رعایت پوشش مناسب در حال تبدیل شدن به یک مطالبه اجتماعی است. در کشورهای که توسعه فردگرایی در آنها بیشتر از جامعه ماست، وضع پوشش به گونه‌ای است که شخص می‌تواند بدترین پوشش‌ها را به عنوان یک حق انتخاب داشته باشد.

در جامعه ما نیز این تحول در حال روی دادن است و تصور مردم درباره پوشش، از بحث تعهد اجتماعی، به سمت شخصی بودن پوشش می‌رود. اگر بیست سال قبل کسی





را امر به معروف و نهی از منکر می‌کردید، وضعیت خود را اصلاح می‌کرد، اما اکنون به شما معترض و متعرض می‌شود که چرا در مورد پوشش شخصی او دخالت می‌کنید.

رعایت پوشش مناسب در جامعه کنونی، در حال تبدیل شدن به یک مطالبه اجتماعی است.

نوع پوشش هر کس تا حد زیادی نحوه برخورد دیگران با وی را مشخص می‌کند. به همین دلیل، نوع پوشش مناسب، تعاملات رفتاری مناسب را نیز در پی خواهد داشت. حدود هفتاد سال پیش، اگر کسی، شخص بی‌حجابی را که بدون چادر و با لباس نسبتاً عریان در جامعه می‌دید، به یقین می‌دانست که مذهبی نیست؛ یعنی در جنبه‌های دیگر زندگی‌اش نیز وجوه شرعی را رعایت نمی‌کند؛ ولی امروزه اگر کسی را ببینیم که حدود شرعی را در پوشش، رعایت نمی‌کند، نمی‌توان گفت که در دیگر ابعاد زندگی نیز متدین نیست. این وضعیت را در رفتارها و در سبک زندگی مردم میتوان دید؛ یعنی شخص به مسجد می‌آید، ماهواره هم می‌بیند، به نماز جماعت هم می‌رود، ولی بی‌حجاب است. پوشش برای این فرد، بیشتر هویتی است تا جنسی؛ یعنی با پوشش می‌خواهد پُر اجتماعی بدهد، نه اینکه جلب توجه جنسی کند. (رسانه ملی و نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف، اباذر افشار، ص ۷۱)

نوع پوشش هر کس تا حد زیادی نحوه برخورد دیگران با وی را مشخص می‌کند.

مسأله امروز، هویت‌یابی و هویت‌نمایی در جامعه است. کسی که هویت خود را با این مسائل گره می‌زند، باید روان‌شناسی کرد که در چه فضای معنایی زندگی می‌کند و موانع و حساسیت‌هایی که در جامعه گسترش پیدا می‌کند، چیست؟ یکی از هنرهایی که باید داشته باشیم، این است که باید عزت اجتماعی را به سمتی هدایت کنیم که شرع می‌پسندد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ





الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَتْ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ» ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده و کفر و فسق و گناه را منفور شما قرار داده است. (حجرات: ۷)

وقتی نظامی، نتواند ارزش‌ها را تحکیم بخشد، ارزش‌های دیگری بر جامعه مسلط می‌شوند و حجاب را به سمت دیگری می‌برند. باید گفت در حال حاضر، فاصله میان وضع کنونی با وضع مطلوب، به صورت مستمر در حال افزایش است. البته قضاوت و داوری عام درباره پدیده‌ای همچون عفاف و حجاب که صورت‌های عینی متنوع داشته و در اقلیم‌های فرهنگی مختلف کشور جلوه‌های گوناگونی دارد، چندان آسان نخواهد بود. آنچه مسلم است، تغییر الگوی پوشش و ظهور پدیده موسوم به بدحجابی یا در شکل حاد آن بی‌حجابی، به عنوان یکی از مظاهر عینی تغییر اجتماعی، از وقوع تغییر در برخی عناصر زیرساختی ذهنی (بینش‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، الگوها، حساسیت‌ها و انتظارات) و عینی (قواعد، عادت‌ها، سبک‌های زیستی، مطالبات جمعی، الزامات محیطی و...) حکایت دارد.

اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می‌آورد تا معلم عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا، وفا و مانند آن شود و دنیای کنونی، حجاب را از زن گرفته تا زن به عنوان ملعبه به بازار بیاید و غریزه را تامین کند. (زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی، ص ۵۹)

اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می‌آورد تا معلم عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا، وفا و مانند آن شود.

لذا بر اساس مشاهدات اجتماعی، می‌توانیم بگوییم روند بدحجابی در جامعه ما رو به افزایش است. هر روز از تعداد زنان و دختران چادری کاسته و بر تعداد دخترانی که از پوشش مانتوی تنگ و چسبان استفاده می‌کنند، افزوده می‌شود. همچنین هر روز تعداد کسانی که پوشش‌ها و آرایش‌های نامناسب دارند، افزایش می‌یابد. بدتر از آن، این نوع





پوشش‌ها و آرایش‌ها رفته رفته به نوعی هنجار در جامعه تبدیل می‌شود؛ هنجاری که کسی به آن واکنش نشان نمی‌دهد و به عنوان پدیده‌ای طبیعی در جامعه شناخته می‌شود. به تدریج، نوع پوشش و آرایش نامناسب، به عرف و هنجار در جامعه تبدیل شده است. روند افزایش این پدیده، موجب نگرانی می‌شود و می‌تواند برای ما خطر ساز باشد. مشکل فقط کنار رفتن چادر و جایگزین شدن مانتو نیست؛ مشکل، سست شدن

در سبک زندگی، پوشش، چه در بحث قومیت و چه در بحث فردی، نوعی الگوی رفتاری مبتنی بر ارزش‌ها و باورهاست.

حجاب است. بنابراین حجاب و پوشش مناسب می‌بایست نوعی مطالبه اجتماعی باشد.

بررسی عوامل حفظ و گسست (از بین رفتن) حجاب

برخی عوامل همبسته با ترویج و گسست حیا و حجاب در جامعه به قرار ذیل می‌باشد:

الف) عامل اجتماعی و رسانه‌ای

در سبک زندگی، پوشش، چه در بحث قومیت و چه در بحث فردی، نوعی الگوی رفتاری مبتنی بر ارزش‌ها و باورهاست. بخش عمده‌ای از این ارزش‌ها را افراد از خانواده و اجتماع می‌آموزند. چون حجاب در جامعه ما به عنوان هنجاری اجتماعی، نهادینه نشده است و درصد قابل توجهی از خانواده‌های ایرانی، این هنجار را به وجود نیاوردند، حجاب به وضعیت مطلوب نرسیده است.

در رسانه ملی و سینما نیز، بحث جدی‌تر است. افراد دارای شخصیت و جایگاه اجتماعی والا، اغلب حجاب مطلوبی ندارند و افراد چادری (چادر به عنوان حجاب برتر) در فیلم‌ها و سریال‌ها به عنوان یک شخصیت برتر به نمایش گذاشته نمی‌شوند؛ که این مسأله باعث الگوبرداری غلط افراد از رسانه و از بین رفتن حجاب در جامعه می‌گردد.

ب) ناآگاهی

آگاهی و شناخت افراد در این زمینه نقش اساسی دارد، برخی می‌گویند با کمک مبلغان، در دوره دبیرستان و مقاطع مختلف آموزشی، آگاهی‌بخشی شده است، آگاهی‌بخشی یا





صورت نگرفته یا کافی نبوده است. در فرهنگ و عقاید برخی خانواده‌ها، حجاب ضرورتی دینی و اسلامی ندارد. از این رو، باید برای آنها فلسفه، فواید و کاربرد حجاب را روشن کرد.

حجاب و پوشش از نتایج و مظاهر ایمان و تقواست، بنابراین برای تقویت آن، باید در درجه اول به تحکیم ایمان و تقویت باورهای دینی جامعه و بالا بردن سطح آگاهی که در حکم روح و ریشه‌ی اخلاق و رفتار آنان است توجه شود.

حجاب و پوشش از نتایج و مظاهر ایمان و تقواست.

از وظایف ما در راه هدایت و ارشاد بانوان بد حجاب جامعه، بعد از آگاه کردن و تذکر دادن به او، معتقد ساختن وی به مبانی اخلاقی و دینی است. تا زمانی که فرد به خداوند و حکیم بودن او و نیز به روز واپسین اعتقاد نداشته باشد، بسیار دشوار است که بتوان در وی اعتقاد رفتاری پایدار نسبت به حجاب پدید آورد. (حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، فتاحی زاده، ص ۱۸۶)

لذا، باید حساب شده وارد عمل شد و ابتدا با آگاه سازی طرف مقابل، به پایه ریزی مبانی اعتقادی او پردازد و سعی نماید تا آن جا که توان دارد او را راهنمایی و ارشاد نماید، زیرا انسان فطرتاً به دنبال خوبی هاست و شاید با یک پند کوچک و تلنگر (موعظه) هدایت گردد.

ج) خانواده

باید گفت مهم ترین نقش در الگوگیری فرزندان را خانواده دارد. خانواده فقط در یک مقطع سنی تأثیر ندارد، بلکه از کودکی تا بزرگسالی در روح و روان فرزندان تأثیر گذارند. خانواده در آموزش آموزه‌های دینی، فرهنگی و تاریخی به نسل جدید نقش اول را دارد. در شکل گیری شخصیت، خانواده مؤثرترین نقش و جایگاه را دارد. اگر خانواده توانسته باشد به لحاظ تربیتی، مبانی اندیشه‌ای، تربیتی و مذهبی فرزندش را مستحکم کند و





شخصیت او را شکل دهد، فرزند به هیچ عنوان نمی تواند تحت تأثیر رفتار و گفتار دوستان و اطرافیانش قرار گیرد.

مهم ترین نقش در الگوگیری فرزندان در رابطه با حجاب را خانواده دارد.

نوع و سبک زندگی اعضای خانواده، امروزه تغییر کرده و از احساس مسئولیت در قبال هم، به سمت فردگرایی سوق یافته و فردیت، نسبت به جمع خانواده، اولویت پیدا کرده است. بر خانواده است که با تربیت صحیح و اصولی خویش باعث حفظ حجاب در میان اعضای خانواده گردد. در این میان نقش مادران بسیار پررنگ تر است که برای فرزندان خود الگوی مناسبی از حجاب باشند و توجه داشته باشند که از همان اوان کودکی، به خصوص زمان رسیدن به سن بلوغ، داشتن حجاب را به روش صحیح و مناسب آموزش دهند، نه روشی که فرزند فکر کند بر او تحمیل شده است، زیرا تا زمانی که حجاب درونی نشود و مورد پذیرش قلبی و اعتقادی قرار نگیرد، هویت اجتماعی به شکل مطلوب تحقق نخواهد یافت.

دریچه ورود به آرامش

از آنجا که پوشش مناسب در جامعه باعث ایجاد آرامش روانی افراد، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع، ایجاد ارزش و احترام به زن می گردد، لذا برای اصلاح وضعیت موجود عفاف و حجاب، باید تدابیری اندیشید؛ ابتدا باید از خویش شروع کرد. (آئین زندگی، شریفی، ص ۱۹)

هنگامی که شخصی به خود شناسی برسد، می تواند به کرامت‌ها و منفعت‌های خود آشنا شده و در رابطه با حجاب، بهتر در جامعه حاضر شود. یک بانوی متدین، با توجه به فطرت و استعدادهایی که در درون او به ودیعه گذاشته شده، خود را درمی یابد و این هنگام می تواند غیر خدا را نیز بشناسد؛ چنانکه امام علی علیه السلام می فرماید: «کیف یعرف غیره من ینهله نفسه» کسی که خود را نمی شناسد چگونه غیر خود را تواند





شناخت؟ (غررالحکم و دررالکلم، مدی، ح ۶۹۹۸). سپس به خودسازی پرداخته و رابطه خویش با خداوند را بیشتر و بهتر نماید تا بتواند در جامعه، از لحاظ رفتار و افکار تأثیر گذار گردد چراکه انسان آزاد و مختار آفریده شده و امانت دار خدا و مسئول خویش و دیگران است. (شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت، حائری تهرانی، ص ۱۰۸)

اگر زنان حجاب اتم و کاملی داشته باشند، به نحوی که تمام بدنشان پوشیده گردد و حتی پوشش او بیشتر از مقداری که در عرف و اسلام الزام شده است، باشد؛ باعث ایجاد آرامش روحی و توانمند ساختن روح و نفس وی در برابر هوی و هوس‌های بیهوده می‌گردد.

«کیف یعرف غیره من یجهل نفسه» کسی که خود را نمی‌شناسد چگونه غیر خود را تواند شناخت؟

رهنمودهای عملی

باید وضعیت موجود جامعه به دقت، تحلیل و بررسی شود و ریشه‌ها و علت‌های جزئی بدحجابی شناخته شود. سپس با استفاده از آموزه‌های دینی و نظرهای کارشناسی، تبیین شود که هنجارها و مطلوب‌ها، از چه طریقی به جامعه منتقل شود. باید عوامل مخرب، در نظر گرفته و راهکارهای متناسب با هر کدام اجرا شود. برای ترویج فرهنگ عفاف و رفع معضل بدحجابی، فرهنگ سازی بهترین گزینه است؛ باید کار فرهنگی کرد که صد البته پیش قراولان این حرکت، دستگاه‌های فرهنگی اند و سایر نهادهای اجتماعی هم در این مورد باید کمک کنند؛ از خانواده گرفته تا صدا و سیما.

برنامه ریزی، تلاش و صبر راهگشاست و هماهنگی بین دستگاه‌های فرهنگی، یک اصل انکارناپذیر است. در این راستا باید به آگاه سازی جوانان پرداخت و به جای برخورد با معلول، به علت‌ها توجه کرد و در برخورد با این ناهنجاری اجتماعی تا حد ممکن نباید از قوه قهریه استفاده کرد، چون با نیروهای انتظامی و امنیتی نمی‌توان به مقابله با پدیده فرهنگی رفت. (مجله حورا، محسن حدادی و زهرا ابوعلی، ص ۵۲)





باید از طریق مساجد، سخنرانی‌ها، کتاب، شعر، موسیقی، فیلم، سریال، داستان و بسیاری روش‌های دیگر آموزشی و تربیتی، از طریق فرهنگی باید برای ترویج حجاب در جامعه اقدام شود. هر کسی متناسب با نقش و مسئولیت خود، باید در این زمینه قدمی بردارد؛ پژوهشگران از طریق کار پژوهشی، هنرمندان از طریق کار هنری، شاعران از طریق شعر، فیلم‌سازان از طریق فیلم‌سازی، معلمان و مدرسان از طریق تدریس و از همه مهم‌تر پدران و مادران از طریق تربیت فرزندان خود. با این کار فرهنگی، نسلی تربیت می‌شود که به طور قلبی، حجاب را باور دارند. به این ترتیب، ما می‌توانیم به سمت این ارزش فرهنگی حرکت کنیم.

برای ترویج فرهنگ عفاف و رفع معضل بد حجابی، فرهنگ سازی بهترین گزینه است.

نتیجه بحث

حجاب یکی از مسائل مهم دینی، اسلامی و فطری است. آشنایی و عمل بانوان در رابطه با حجاب و عفاف، نقش به‌سزایی در الگوپذیری تمام افراد جامعه از آنان در طرز پوشش و رفتار مناسب در جامعه خواهد داشت.

تمدن نوین بسیاری از هنجارها و نگرش‌های دنیای پیشین را که جزء هویت آدمی محسوب می‌شده، به چالش کشیده و بین حجاب و بی‌حجابی تعارض قائل شده است که باید حجاب و نقش آن در ایجاد هویت اجتماعی افراد مشخص شود. تا زمانی که حجاب درونی نشود و مورد پذیرش قلبی و اعتقادی قرار نگیرد، هویت اجتماعی به شکل مطلوب تحقق نخواهد یافت. بر این اساس، درونی شدن حجاب به هویت فردی مستقلی نیازمند است تا نه به اجبار، بلکه به عنوان انتخابی منطقی و فردی برای کسب شخصیت اجتماعی قرار گیرد.

از جمله راهکارهایی که برای حفظ پوشش در جامعه می‌توان انجام داد اینکه ۱. از لحاظ فرهنگی، مسأله بدحجابی در جامعه و افراد بررسی شود. ۲. باید عوامل فکری که باعث این پدیده شده، شناخته گردد، چرا که نوع سبک زندگی ما امروز بیشتر به سوی





سبک زندگی مدرن و غربی متمایل است. ۳. وجود الگو و سرمشق مناسب به یادگیری رفتار صحیح می انجامد. ۴. رفتار والدین خصوصاً مادر، در جهت گیری هویت اجتماعی جوانان در رابطه با حجاب فرزندان بسیار حائز اهمیت است. در این صورت، کل ساختارها و سبک زندگی به گونه ای اصلاح می شود که بستر رشد فضایل اخلاقی و عفت فراهم شود.



فهرست منابع

* قرآن کریم

- ۱) آئین زندگی، شریفی، احمد حسین، قم، نشر معارف، ۱۳۸۵.
- ۲) حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، فتاحی زاده، فتحیه، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۳) رسانه ملی و نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف، افشار، اباذر، قم: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۳.
- ۴) روانشناسی نوجوانان و جوانان، احمدی، احمد، اصفهان، انتشارات مشعل، ۱۳۶۸.
- ۵) زن در آئینه جلال و جمال، آیت الله جوادی آملی، عبدالله، قم، مرکز نشر اسراء، دارالهدی، ۱۳۷۸.
- ۶) شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت، حائری تهرانی، مهدی، قم، انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج)، ۱۳۸۷.
- ۷) غررالحکم و دررالکلم، آمدی، عبد الواحد، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- ۸) فرهنگ معین، معین، محمد، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱.
- ۹) مجله حورا، محسن حدادی و زهرا ابوعلی، اسفند ۱۳۸۵، ش ۲۳.
- ۱۰) مسأله حجاب، مطهری، مرتضی، تهران، صدرا، ۱۳۸۶.
- ۱۱) نظام اسلامی و مسئله پوشش زنان، مجله نگاه ویژه، حسین باقری، بهار ۱۳۹۱، ش ۱۴.
- ۱۲) نظریه های مشاوره و روانشناسی، شیلینگ، لودیس، ترجمه: سعید، خدیجه آرین، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵.

